



اخلاق الهی صدیقه طاهره

حضرت فاطمه زهرا ^{علیها السلام} در آئینه روایات

علیرضا مکتب‌دار؛ پژوهشگر دینی و طلبه حوزه علمیه قم

حسن مثنی، فرزند حضرت امام حسن ^{علیه السلام}، نزد عموی خویش، حضرت امام حسین ^{علیه السلام} برای خواستگاری یکی از دخترانش (فاطمه یا سکینه) آمد. امام حسین ^{علیه السلام} به او فرمودند: «فاطمه را برای تو اختیار می‌کنم؛ زیرا به مادرم فاطمه شبیه‌تر است. او در دیانت، تمام شب را بیدار بوده و روز را روزه می‌گیرد و در شکل و جمال شبیه حورالعین است.»^۱

(د)رضاوتوکل
رضا در لغت به‌معنای خشنودی، خوشدلی و تسلیم شدن است و در اصطلاح عرفانی عبارت است از رفع کراهت قلب نسبت به مقدرات و شیرین شدن سختی‌های احکام قضا و قدر. فاطمه ^{علیه السلام} به این مقام بزرگ دست یافته بود. ایشان در اوج این مقام قرار داشت و اراده ایشان در اراده خدای تعالی مستهلک شده بود؛ از این رو به القاب «راضیه» و «مرضیه» آراسته شدند. در زندگی آن‌حضرت، خدا و اراده خداوند محور بود و ایشان در تمام زندگی، رفتارهایش را با رضایت خدا می‌سنجید و می‌فرمود: «لَهِمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ الْهُدٰی وَالتَّقٰی وَالعِفَافَ وَالْعِنٰی وَالتَّوَكُّلَ پَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضٰی»^۲ و نیز در همه امور خود به او توکل می‌نمود. آن هنگام که پیامبر ^{صلی الله علیه و آله} پیش از تولد فرزندش حسین ^{علیه السلام} خبر از شهادت او داد، فاطمه از رضا به قضای الهی گفت.^۳

کسب رضایت خداوند، اصلی مهم در زندگی آن‌حضرت بود. پس از قبول همسری علی ^{علیه السلام}، زنان قریش زیان به سرزنش و طعنه گشوند که چرا همسری مردی فقیر و تهیدست چون علی را انتخاب کرده‌ای؟ فرمود: «رضیت بما رضی الله ورسوله».^۴

ایشان در اوج علاقه‌ای که به همسرش داشت، باز هم محبت و رضای خدا را بالاتر می‌دانست. در فرازهایی از مناجات‌ایشان آمده است: «یا رب لیست من احد غیرک تلج بها صدری و تسز بها نفسی و تقر بها عینی؛ خداوند، احدی به جز تو سینه‌ام را خنک نمی‌کند و نفسم را مسرور نمی‌نماید و هیچ‌کس جز تو چشم مرا روشنی نمی‌دهد.»^۵

(ه) صبر
در فرهنگ قرآن و اهل‌بیت ^{علیهم السلام} صبر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. واژه صبر در کنار واژه ایمان، از

یک‌جا فاطمه ^{علیه السلام} یکی از چهار زن بزرگ جهان معرفی شده، هیچ منافاتی با این معنی ندارد که او از میان آن چهار زن برترین آنها باشد. شاهد این سخن علاوه بر آنچه از لابلای احادیث گذشته استفاده می‌شد، حدیث زیر است:

۵. در کتاب ذخائرالعقبی از ابن‌عباس از پیغمبر اکرم ^{صلی الله علیه و آله} چنین نقل شده است: «اَزْبَعَ نِشْوَةَ سِنْدَانَتْ سَادَاتِ عَالَمِهِنَّ: مَرْيَمَ بْنْتُ عِمْرَانَ وَ اَسِيَةَ بْنْتُ مُرَاجِمٍ وَ خَدِيجَةَ بْنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةَ بْنْتُ مُحَمَّدٍ وَ أَفْضَلَهُنَّ فَاطِمَةً؛ چهار زن بانوی بانوان جهان خود بودند: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم و خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد ^{صلی الله علیه و آله} و از همه آنها برتر فاطمه ^{علیه السلام} بود.»^۶ تعبیر به افضلیت فاطمه ^{علیه السلام} نسبت به سه بانوی دیگر، مسائل زیادی را دربر دارد و بیان‌گر مقام علمی، تقوی، ایثار، فداکاری و سایر ملکات فاضله در وجود آن بانوی گرامی است که به گوشه‌ای از آنها در این نوشتار می‌پردازیم.

• **اخلاق الهی فاطمه ^{علیه السلام}**

فاطمه ^{علیه السلام} که در دامن پیامبر گرامی اسلام ^{صلی الله علیه و آله} – که خود از جانب پروردگار به‌عنوان دارنده خلق عظیم معرفی شده بود– پرورش یافت؛ از این رو تمام فضایل اخلاقی را از ایشان به میراث برده و بدان‌ها آراسته بود. او به‌حق نمونه‌ای کامل و جامع از شخصیتی انسانی است که همواره می‌تواند، الگوی راهپویان مسیر سعادت قرار گیرد. ایشان در هر چهار حوزه اخلاقی؛ یعنی اخلاق الهی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اخلاق خانوادگی، سرآمد بود. در این مجال به معرفی گوشه‌ای از اخلاق الهی آن بانوی آسمانی می‌پردازیم.

• **اخلاق الهی چیست؟**

اخلاق الهی به آن دسته از ویژگی‌های اخلاقی‌ای که مربوط به حوزه ارتباط بنده با خدای متعال است، اطلاق می‌گردد و در واقع به شکل‌گیری و سامان‌دهی ارزش‌های حاکم بر رابطه انسان با آفریدگار خویش مربوط می‌شود. رابطه انسان با خداوند، الزام‌های خاصی دارد که از آن در قالب فضایل اخلاق الهی نام برده می‌شود. در این جا به معرفی برخی ویژگی‌های اخلاقی فاطمه زهرا ^{علیه السلام} در این حوزه می‌پردازیم.

(الف) ایمان و یقین

پیامبر اکرم ^{صلی الله علیه و آله} به جناب سلمان فرمود: «یا سَلْمَانُ اِنَّ اِبْنَتِی فَاطِمَةَ مَأَدُّ الله قَلْبُهَا وَ جَوَارِحُهَا اِیْمَانًا وَ یَقِیْنًا اِلٰی مَشَاشِهَا تَعَوَّثَ لِطَاعَةِالله؛ ای سلمان! به‌راستی که خداوند قلب و اعضای فاطمه ^{علیه السلام} تا استخوان‌هایش را از ایمان و یقین آکنده ساخته است؛ به‌گونه‌ای که در طاعت خدا جدیّت دارد.»^۱

حضرت صدیقه زهرا ^{علیه السلام} که خود به زیور ایمان آراسته بود، در خطبه خود در مورد اهمیت و آثار ایمان می‌فرماید: «فَبَحَلَّ اللهُ الْاِیْمَانَ تَطْهِیرًا لَّکُمْ مِنَ الشِّرْکِ؛ خداوند ایمان را برای تطهیر قلوب شما، از آلودگی شرک قرار داده است.»^۲

(ب)عشق واخلاص

زهرا ^{علیه السلام} در اوج قله اخلاص بود. او در جواب پدرش که می‌فرمود: دخترم ! هم‌اکنون جبرئیل در نزد من است و او، جانب خدا پیام آورده که هر چه بخواهی تحقق می‌یابد، می‌فرماید: «سَعَّلَکَ اللهُ الْاِیْمَانَ تَطْهِیرًا لَّکُمْ مِنَ الشِّرْکِ؛ لی غیر النظر اِلی وَجْهِه‌الْکَرِیْم؛ لذتی که از خدمت به حضرت حق می‌برم، مرا از هر خواهشی باز داشته است. حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر جمال زیبا و والای خداوند باشم.»^۳

آن حضرت درباره اهمیت اخلاص‌ورزی فرمود: «من اصعد الله اخلاص عبادته، اهبطالله عروج‌الیه افضل مصلحته؛ هرکه عبادت خالصانه خود را به درگاه خدا فرابرد، خداوند عز و جل، بهترین چیزی را که به صلاح اوست، برایش فرو فرستد.»^۴

(ج)عبادت

فراوانی عبادت فاطمه ^{علیه السلام} در این سخن امام حسن مجتبی ^{علیه السلام} به‌خوبی آشکار است. امام می‌فرمایند: در شب جمعه‌ای خالص مادرم فاطمه ^{علیه السلام} را در محراب عبادت دیدم که تا صبح در کوی و سجده بود و برای مؤمنان به‌نام دعا می‌فرمود.^۵

حسن بصری که از نظر اهل‌سنت یکی از عباد و زهاد است، درباره عبادت فاطمه زهرا ^{علیه السلام} می‌گوید: «اما کان فی‌الدنیا عبد من فاطمه کانت تقوم حتی تتورم قدماه؛ در میان این امت، عبادت کسی از فاطمه ^{علیه السلام} بیشتر نبود؛ زیرا آن قدر روی پاهای خود در مقام عبادت می‌ایستاد که پاهایش ورم می‌کرد.»^۶

امام صادق ^{علیه السلام} درباره سبب نام‌گذاری حضرت فاطمه ^{علیه السلام} به «بتول» فرمود: «سُمِّیَتْ فَاطِمَةً ^{علیه السلام} بِالْبَتُول لِاقْطَاعِهَا اِلٰی عِبَادَةِالله تَعَالٰی؛ حضرت فاطمه ^{علیه السلام} به این جهت «بتول» نامیده شد که از همه بریده بود و دل به خداوند متعال بسته بود.»^۷

هدایت بشر –اعم از مرد و زن– نیازمند معرفی و در پیش نهادن الگوها و نمونه‌هایی است که انسان‌ها بتوانند با تأسی به آنان، مسیر سعادت را پیموده و به رشد و کمال دست یابند. الگوی کاملی که قرآن کریم فراوی انسان‌ها برای رسیدن به کمال و سعادت قرار می‌دهد، شخص پیامبر گرامی اسلام ^{صلی الله علیه و آله} است. علی ^{علیه السلام} که در دامن آن حضرت رشد یافت نیز، الگو و نمونه‌ای نیکو است. این دو الگو هر دو از جنس مردان بودند؛ اما در این نوشتار در صدد معرفی الگویی از جنس دیگر، یعنی جنس زنان برای جامعه انسانی هستیم. فاطمه ^{علیه السلام} دختر پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفی ^{صلی الله علیه و آله}، نه‌تنها الگوی بانوان شایسته که الگوی مردان وارسته و بلکه بالاتر، الگوی آخرین حجت خداوند بر روی زمین است.^۸ او که در دامن پاک‌ترین و متعلق‌ترین انسان‌ها رشد و پرورش یافته بود، به‌حق الگویی شایسته برای جویندگان سعادت بوده و هست. مروری بر ویژگی‌های اخلاقی این بانوی بزرگوار نشانگر این حقیقت است که علی‌رغم نگاه پست و تحقیرآمیزی که در دوران بعثت نسبت به جنس زن وجود داشت، تعالیم آسمانی دین مبین اسلام توانست، نگاه جامعه را تصحیح کرده و برای زدودن این اندیشه ناصواب از اذهان انسان‌ها، فردی از جنس زنان را به‌عنوان الگویی شایسته معرفی نماید.

• ولادت و خاندان

بسیاری از مؤرخان، ولادت فاطمه ^{علیه السلام} را پنج سال پیش از بعثت رسول خدا ^{صلی الله علیه و آله}، در سال تجدید بنای کعبه نوشته‌اند.^۱ اما مشهورترین اقوال در اخبار شیعه این است که حضرت صدیقه طاهره ^{علیه السلام} در سال پنجم پس از بعثت در روز بیستم جمادی‌الثانی در شهر مکه متولد شد و در هنگام وفات پدر بزرگوارش هجده سال و چند ماه از عمر شریفش گذشته بود.^۲ داستان ولادت ایشان خواندنی است.^۳ فاطمه ^{علیه السلام} تنها فرزند به‌جامانده از پیامبر اکرم ^{صلی الله علیه و آله} است. او دارای شریف‌ترین نسب خانوادگی است؛ چنانکه گفته‌اند: او از شریف‌ترین افراد امت پیامبر است؛ پیامبر ^{صلی الله علیه و آله} پدر او، خدیجه ^{علیه السلام} مادرش، علی ^{علیه السلام} همسرش و حسن و حسین ^{علیه السلام} که آقای جوانان اهل‌بیت‌اند، فرزندان اویند.^۴

• **فاطمه ^{علیه السلام} در نگاه پیامبر ^{صلی الله علیه و آله}**

در روایات فراوانی که در منابع معروف اهل سنت از پیامبر گرامی اسلام ^{صلی الله علیه و آله} نقل شده، با تعبیر متنوعی بر برتری فاطمه زهرا ^{علیه السلام} بر همه زنان هستی تصریح شده است.

۱. «ان افضل نساء اهل‌الجنه خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد ^{علیهما السلام} و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم؛ برترین زنان بهشت خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد ^{صلی الله علیه و آله} و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم است (همسر فرعون).»^۱
۲. پیغمبر اکرم ^{صلی الله علیه و آله} در بیماری که به رحلت ایشان انجامید، آنگاه که بی‌تابی فاطمه ^{علیه السلام} را دید، فرمود: یا فاطمه ألا ترضین ان‌تکونی سیده نساءالعالمین و سیده نساء هذه الامه و سیده نساء‌المؤمنین؟؛ ای فاطمه! آیا راضی نیستی که تو برترین بانوی زنان جهان و بانوی زنان این امت و بانوی زنان با ایمان باشی؟^۲

همان‌گونه که روشن است، در این سخن، برتری فاطمه ^{علیه السلام} بر سایر زنان به‌صورت مطلق ذکر شده و نام هیچ‌کس در کنار نام ایشان مطرح نگردیده است.

۳. در حدیث دیگری نیز از همان حضرت ^{صلی الله علیه و آله} این معنی به‌صورت مطلق آمده است: در آن هنگام که فاطمه ^{علیه السلام} بیمار شده بود و پیامبر ^{صلی الله علیه و آله} این سخن را به جمعی از اصحاب گفت، آنها پیشنهاد کردند که از آن بانوی بزرگوار عبادت کنند. پیامبر برخاست و با جمعی از یاران به سوی خانه فاطمه ^{علیه السلام} آمد، نخست از بیرون خانه صدا زد که دخترم خودت را ببوشان؛ چون جمعی از یاران به عبادت تو می‌آیند و از آنجا که لباس دخترش فاطمه ^{علیه السلام} کافی نبود، عباى خود را از پشت در به ایشان داد!

پیامبر ^{صلی الله علیه و آله} و یاران وارد شدند و بعد از عبادت از خانه بیرون آمدند و رو به یکدیگر کرده و از بیماری فاطمه ^{علیه السلام} اظهار تأسف می‌کردند. پیغمبر اکرم ^{صلی الله علیه و آله} رو به آن‌ها کرد و فرمود: «اما آنها سیده‌النساء یوم‌القیامه؛ بدانید او بانوی تمام زنان در قیامت است.»^۳

۴. صحیح بخاری، معتقدترین منبع حدیث اهل‌سنت از قول عایشه این چنین روایت می‌کند:

روزی فاطمه ^{علیه السلام} نزد پیامبر ^{صلی الله علیه و آله} آمد. راه رفتنش درست مانند راه رفتن او بود. پیغمبر اکرم ^{صلی الله علیه و آله} فرمود: خوش آمدی دخترم! سپس او را طرف راست و یا چپ خود نشاناد. بعد رازی در گوش او گفت و به دنبال آن فاطمه ^{علیه السلام} گریان شد. (من عایشه) گفتم: چرا گریه می‌کنی؟ بار دیگر پیامبر ^{صلی الله علیه و آله} راز دیگری به او گفت و این بار فاطمه ^{علیه السلام} خندان شد. گفتم: من تا امروز شادی که این چنین با غم نزدیک باشد، ندیده بودم و از علت آن سؤال کردم. فاطمه ^{علیه السلام} گفت: من سز رسول خدا را فاش نمی‌کنم. این راز فاش نشد تا اینکه پیامبر ^{صلی الله علیه و آله} از دنیا رفت. آنگاه از فاطمه ^{علیه السلام} درباره راز آن گریه و خنده سؤال کردم، گفت: بار نخست پیامبر ^{صلی الله علیه و آله} به من فرمود: جبرئیل هر سال یک بار قرآن را بر من عرضه می‌داشت؛ اما امسال دوبار عرضه داشت و من فکر می‌کنم، دلیل این تکرار دوباره آن است که اجل من نزدیک شده و تو اولین کسی خواهی بود که به من ملحق می‌شوی. من هنگامی که این سخن را شنیدم گریه کردم؛ اما پیامبر ^{صلی الله علیه و آله} سپس فرمود: «اما ترضین ان‌تکونی سیده نساء اهل‌الجنه و نساء‌المؤمنین؟؛ آیا تو راضی نمی‌شوی که بانوی زنان اهل بهشت یا زنان با ایمان باشی؟ و من هنگامی این سخن را شنیدم، شاد و خندان شدم.»^۴

از بررسی مجموع این احادیث به‌خوبی روشن می‌شود که اگر در

الهی، بینش و منش و رفع شبهات و تحریفات از زندگانی حضرت زهرا ^{علیه السلام} –ارائه الگوی عینی به زن مسلمان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی و خانواده –تبیین حقوق و تکالیف زن، منزلت نهاد خانواده و حقوق و تکالیف ارکان آن از منظر اسلام و با تکیه بر سیره و کلام فاطمه زهرا ^{علیه السلام}

• **برخی از ویژگی‌ها**

۱. مرجعیت علمی: در مجموعه حاضر، ضمن اعتراف به اینکه آنچه انجام پذیرفته است، با شأن حضرت فاطمه ^{علیه السلام} فاصله بسیار دارد، در حد امکان سعی شده است حاصل پژوهش، الهی، بینش و منش و رفع شبهات و تحریفات از زندگانی حضرت زهرا ^{علیه السلام} –ارائه الگوی عینی به زن مسلمان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی و خانواده –تبیین حقوق و تکالیف زن، منزلت نهاد خانواده و حقوق و تکالیف ارکان آن از منظر اسلام و با تکیه بر سیره و کلام فاطمه زهرا ^{علیه السلام}

۱. مرجعیت علمی: در مجموعه حاضر، ضمن اعتراف به اینکه آنچه انجام پذیرفته است، با شأن حضرت فاطمه ^{علیه السلام} فاصله بسیار دارد، در حد امکان سعی شده است حاصل پژوهش،

حاوی مهم‌ترین و تحلیلی‌ترین اطلاعات باشد و کم‌وبیش خواننده را از مراجعه به منابع دیگر، جز برای آگاهی از جزئیات و تفصیل بیشتر، بی‌نیاز سازد و نیز مرجعی برای اهل تحقیق باشد.

۲. ارائه الگوی زن مسلمان: هدف اساسی تولید این دانشنامه، آشنایی با آن حضرت زهرا ^{علیه السلام} برای الگو‌گیری از رفتار و منش ایشان است؛ ازاین‌رو، افزون بر گزارش جامع از زندگی و منزلت ایشان، سیره ایشان در امور اخلاقی، عبادی، معنوی، همسرداری، خانه‌داری، تربیت فرزند و امور فرهنگی و اجتماعی و سیاسی، بررسی و هر کدام در مقاله‌ای مستقل تألیف شده‌است.

۳. نویسنده با رویکرد توصیفی و تحلیلی در نگارش مقالات، کوشیده شده به‌دوراز احساسات و غلو یا انکار، آن حضرت زهرا ^{علیه السلام} معرفی شود و ضمن بیان شخصیت و منزلت ملکوتی و مقام والای معنوی، تصویری روشن برای همگان ارائه گردد تا امکان الگو‌گیری از آن حضرت ^{علیه السلام} فراهم آید.

علاقه‌مندان برای تهیه این کتاب می‌توانند نشانی‌قم: میدان جهاد، بلوار پانزده خرداد، خیابان شهید میثمی، کوی ۱۰ تلفن: ۰۲۵۳۷۶۰۳۵۷۱ – پست الکترونیکی: info@iict.ac.ir مراجعه نمایند.

آتش جهنم گردد.»^{۲۷}

دلیلی در ارشادالقلوب درباره این ویژگی حضرت می‌نویسد: «کانت فاطمه تنهیح فی‌الصلاة من خیفه‌الله تعالی؛ حضرت فاطمه ^{علیه السلام} به‌هنگام نماز، نفسش به شماره می‌افتاد.»^{۲۸}
در روایت دیگری وارد شده که خداوند به فرشتگان فرمود: «بنده من فاطمه را مشاهده کنید، چگونه در برابر من ایستاده که از خوف من، بندهایش می‌لرزد و با قلب و روح خود به عبادت من می‌پردازد.»^{۲۹}

• پی‌نوشت‌ها

- الغیبه، ج ۲، ص ۲۸۶؛
- تاریخ پیامبر اسلام ^{صلی الله علیه و آله}، ص ۱۷۹؛
- ترجمه اعیام‌الوری، ص ۲۲۱؛
- اما اهل سنت بر این باورند که ایشان در سال پنجم قبل از بعثت زاده شده‌اند. رک: الدر المنظیم، الشامی، ص ۴۵؛
- رک: زندگانی حضرت زهرا ^{علیه السلام}، ترجمه بحارالأنوار، ص ۳۳؛
- الموسوعة الکبری عن فاطمة‌الزهرا ^{علیه السلام}، ج ۶، ص ۱۵۰؛
- الدر المنثور، ج ۸، ص ۲۲۹؛
- مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۷۰؛
- المناقب، ج ۳، ص ۳۲۳؛
- عوالم‌العلوم، ج ۱۱، ص ۱۰۵۵؛
- عوالم‌العلوم، ج ۱۱، ص ۱۱۲؛
- بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۱۴۶؛ مناقب، ج ۳، ص ۳۳۷؛
- بحارالأنوار، ج ۲۹، ص ۲۲۲؛
- فرهنگ سخنان فاطمه ^{علیه السلام}، ص ۹۱؛
- تنبيه‌الخواطر، ص ۱۰۸؛
- فاطمه‌الزهرا ^{علیه السلام} بهجة قلب‌المصطفی ^{صلی الله علیه و آله}، ص ۲۱۴؛
- علل‌الشراعی، ج ۱ ص ۱۸۱ ح ۱؛ کشف‌الغمة، ج ۱ ص ۴۶۸؛
- عوالم‌العلوم والمعارف، ج ۱۱، ص ۸۰؛
- الأنشاد، ج ۲، ص ۲۶؛
- بحارالأنوار، ج ۸۷، ص ۳۳۹؛
- کلینی، ۱، ۱۳۶۳، ص ۴۶۲؛
- صحیفة‌الزهرا ^{علیه السلام}، ص ۲۹؛
- الموسوعة الکبری عن فاطمة‌الزهره ^{علیه السلام}، ج ۲۱، ص ۳۹؛
- تهذیب‌الأحکام، ج ۶، ص ۹، باب ۳؛
- الاحتجاج، ص ۹۹، کشف‌الغمة، ص ۴۳؛
- بحارالأنوار، ج ۲۳، ص ۲۸؛
- ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۱۰۵؛
- فاطمه ^{علیه السلام} من‌المهد الی‌الحلد، ص ۱۷۳.